مدخل :ارتکاز متشرعه در دیدگاه آیت الله بهجت

یکی از اموری که مرحوم آیت الله بهجت به آن خیلی عنایت داشتند و در درس هم خیلی تکرار میکردند، مسألهی ارتکاز متشرعه است؛ اصالًروش و کارشان در فقه، این بود[1]. در اینجا[2] هم دیگر به لفظ آوردند، این نکته را تصریحًامیفرمایند.

ارتکاز شیعه بر عدم رجحان تأخیر نماز

> **و يشهد لعدم رجحان التأخير بعنوانه في الظهرين مع استواء المقدّم و المؤخّر في ضمّ النوافل و العدم، و الجماعة و العدم، و طلب الإبراد و العدم، و الأرفقيّة و الأسهليّة، و مزاحمة سائر الضرورات و العدم ارتكازُ الفرقة المحقّة، فإنّ رجحان التأخير عندهم أمر منكر.[3]**

میفرمایند این طور چیزی در شرع نداریم که اصالًخود تأخیر انداختن به عنوان تأخیر انداختن، راجح باشد. رجحان التأخیر ال بعنوان التأخیر، مشکلی ندارد، موارد حسابی هست. مثالًتأخیر میاندازد برای درک جماعت. تأخیر میاندازد برای احتیاط در ذوالعذر. «**في الظهرين مع استواء المقدّم و المؤخّر في ضمّ النوافل و العدم**» گاهی است میگوییدتأخیر میاندازیم ولی عوضش نافله میخوانیم. معلوم است این تأخیر خوب است، اما به عنوان تأخیر نبوده؛ به عنوان ضمّ نافله بوده است. «**و الجماعة و العدم**» نه اینکه الآن فردی است بعدًاجماعت میخوانم. نه، الآن جماعت است، مقدّم، بعدًدو ساعت دیگر هم ، جماعت است عین همین. همه چیزها برابر باشد.

حاج آقا میخواهند آن ارتکاز را خوب جلا بدهند. بگویند ارتکاز متشرعه که ما میگوییم دو تا نماز من جمیع الجهات برابرند. هر دو تایش سهل است یا هر دو تایش سخت است. هر دو تایش نافله دارد، یا هر دو تایش نافله ندارد. «**ارتكازُ الفرقة المحقّة**» شیعه اثنی عشریه، ارتکازشان این است که اگر دو تا نماز من جمیع الجهات برابرند، آن که مقدّم است افضل است و آنکه مؤخّر است رجحان ندارد. عدم رجحان التأخیر به عنوان تأخیر. دو تا نماز ِکاملًابرابر را عقب بیندازم؟ نه، هر چه زودتر، بهتر. هر چه نزدیک اوّل وقت، افضل. «**فإنّ رجحان التأخير عندهم أمر منكر.**»

ارتکاز متشرعه؛از ادله شرعیه

نکات خوبی هم در عبارتشان هست که حالا باید هرکدامش را زیرش خط بکشیم و روی دقت بکنیم.ایشان غیر از مکرّر در مکرّر که بیان فرمودند، یک بار تصریح کردند که بنده ارتکاز متشرعه را جزء ادله میدانم[4]. ادلهی اربعه که معروف است، وقتی صریحًامیگویند سائر ادله

یعنی این هم دلیل است. آیة الله بهجت حتی تصریح میکردند که به نظر من،شما هر بحثی را که شروع میکنید اوّل به مرتکزاتتان مراجعه کنید[5].یک روش مهمی بود که ایشان میگفتند.اما این معنایش این نیست که سائرین نمیگفتند،اصلاً اینطور نیست.[6]

اصل اینکه حاج آقا از ارتکاز اسم میبردند، استدلال میکردند، آن خیلی بود، واضح بود.اما اینکه یک روزی توضیح بدهند که لِمَ‌ش در نظر شریفشان چیست من یادم نمیآید، حالا یک کسی بیشتر مأنوس باشد به اوراه و گوش بدهد، اگر پیدا کرد که یک جا حاج آقا فرمودند حتما یادداشت کنید که مثلاً در درس فلان روز، توضیح دادند، رمز دلیلیت این ارتکاز را.[7]

---

[1] در استنباط احکام به ارتکاز متشرعه هم باید رجوع کرد؛ زیرا در هر جایی دلیل لفظی و نص بهخصوصی نداریم و نمیشود باشد؛ لذا در فهم اخبار بر همه لازم است که به مرتکزات هم رجوع نمایند. (در محضر بهجت، ج۲، ص۲۹۴)

[2] مبحث وقت فضیلت نمازظهر و عصر،بررسی رجحان تأخیر نمازظهر تا مثل یا مثلین: أمّا تفصيل ما تقدّم تبعاً «للجواهر» فيمكن تقوية ما مرّ في تحديد الفضيلة للظهرين بالذراع و الذراعين، بما دلّ على خلاف أنّ الفضل في التأخير للمثل أو المثلين، مثل ما دلّ على أنّ أوّل الوقتين أفضلهما فلا يكون التأخير بعنوانه أفضل (بهجة الفقيه؛ ص: ۸۵)

[3] بهجة الفقيه؛ ص: ۸۶

[4] قبول ندارم ادله، اربعه ست. ارتکازات، ارتکازات ِاهل حق دلیل است، میخواهد دلیل خامس باشدفرق نمی کند(درس خارج فقه؛ کتاب الصلاه، تاریخ ۲۷/۱۱/۱۳۷۶)

ادله چهارتا نیست. ارتکاز متشرعه هم از ادله هست (درس خارج فقه، کتاب الجهاد، تاریخ ۱۶/۲/۱۳۸۸)

از ادله است ارتکاز. در مقابل کتاب و سنت و اجماع و عقل، ارتکاز متشرعه، ارتکاز دینی، از ادله است.(درس خارج فقه؛ کتاب الجهاد، تاریخ ۲۴/۱۲/۱۳۸۷)

ارتکاز متشرعه، قبول و لا قبولش هم یکی از ادله ماست.(کتاب الصلاه، تاریخ ۱/۷/۱۳۷۶)

بلکه ایشان ارتکاز را بالاتر از سایر ادله می داند :

ارتکاز خودش گاهی بالاتر از ادله لفظیه هست. (درس خارج فقه؛ کتاب الحج، ۲۸/۱۱/۱۳۸۵)

همین ارتکازی که ما میفهمیم، الغاء خصوصیتی که ما میفهمیم، قریب است به همان حدسیات این دو نفر[شیخ جعفر کاشف الغطاء و شهید اول] ... آن آقا که قریب به عصر ماها بود، می گفت: بی دلیل خیلی فتوا میدهند. باباا! همین وجدانیات خودش. ارتکازیات خودش، دلیل بود.(درس خارج فقه؛ کتاب الخمس، ۲۲/۷/۱۳۸۲)

این[ارتکازات]هم خودش یکی از ادله و قوی تر از اطلاقاتی است که برای او مثلا انسان یک توجیهاتی و یک تقریباتی بکند.(کتاب الصلاه،تاریخ ۱/۷/۱۳۷۶)

[5] یکی از بزرگان می‌فرمود: در هر حکم قبل از مراجعه به دلیل لفظی و ظنی و بحث پیرامون آن، باید به ارتکاز ذهن رجوع نمود که مسئله به‌حسب ارتکاز و مرتکز متشرعه اقتضای چه حکمی را دارد.(در محضر بحث، ج۲، ص۲۹۴)

[6] در ادامه به کلام بزرگانی مثل مرحوم آیت الله حکیم،آیت الله بروجردی،آقاضیا عراقی و دیگرانی که ارتکاز را مانند سایر ادله حجت می دانند اشاره خواهد شد.

[7] در تعابیری مرحوم آیت الله به‌جت،واژه وجدانیات به عنوان مترادف ای هم ردیف ارتکازیات به صورت متعدد استفاده شده است.ایشان جایی در مقام بیان ضرورت عمل به وجدانیات چنین می فرمایند: «آن آقای مدرّس،گفته بود که هر مسئله‌ای که پیش آمد کرد برای شما، اوّل‌ِاول، قبل از مراجعه به ادله و فتاوا، وجدانیات خودتان را فکر بکنید. به دست بیاورید. این مقدم است بر همه چیز.فعلی هذا به حسب ظاهر، وجدانیات بر همه این ها مقدم است. ارتکازیات دینیه، بر همه این ها مقدم است. عرض کردیم از ادله است. ادله چهارتا نیست. ارتکاز متشرعه هم از ادله هست برای خودشان. (درس خارج فقه، کتاب الجهاد، تاریخ 16/2/1388)در جای دیگر در مقام وجه ترجیح می فرمایند:«اگر وجدانیات را زیر پا بگذارید داخل در ادله بشوید هیچ نمی دانید که چه تعبدی است چه نیست و چه قابل تعبدی است ،چه قابل تعبدی نیست .آقاضیا می فرمود مرحوم آخوند آن جا که ادعای وجدان می کند،برو برگردی ندارد هیچ تخلفی در ان نیست اما جایی که اقامه برهان می کند بر مطالب جای صحبت هست و ان قلت و در و ایراد هست... تقدم نظر در وجدانیات بر برهانیات، فضلا از تعبدیات.وجدانیات بر برهانیات هم مقدمند.برهان، یکی از مبادیش وجدان است. ان لنا جوعاً و ان لنا عطشاً...اموری ستّه ای که مبادی برهانند. وجدانیات مقدمند بر برهانیات. برهانیات هم که عقلانیّاتند، مقدمند بر تعبدیات. آن وقت ما این ها را بگذاریم کنار؟مثل این که بنشینیم با هم صحبت بکنیم چه دلیل داریم به این‌که کاری که مستلزم دور و تسلسل است، حرام است. نه. چه دلیل داریم به این؟ کاری که مستلزم دور و تسلسل است، حرام است؟ این قابل بحث است؟ فعلی هذا وجدانیات را باید جلوتر از برهانیات مالحظه کرد، برهانیات را باید جلوتر از تعبدیات مالحظه کرد. نه این‌که عکس کنیم.(همان،کتاب الصلاه،جلسه ۳۲۴) ایشان هم چنین ارتکازیات را اعم از ارتکاز متشرعه و غیرمتشرعه بستر فهم کلمات شارع و طبیعتاً مقدم بر آن ها می داند: «هنگام مراجعه به ادله در استنباط احکام، به ارتکاز متشرعه هم باید رجوع کرد؛ زیرا در هر جایی دلیل لفظی و نص به‌خصوصی نداریم و نمی‌شود باشد؛ لذا در فهم اخبار بر همه لازم است که به مرتکزات هم رجوع نمایند. ارتکازیات و وجدانیات متشرعه، بلکه غیرمتشرعه خود دلیل شرعی، بلکه یکی از مهمات و ای اهم مدارک است، زیرا ادله‌ی شرعیه‌ی دیگر محتاج به عقلیات است.

سؤال: یعنی می‌فرمایید در صورت بودن وجدانیات، دیگر نیازی به ادله نیست؟

جواب: می‌گویم: ادله منحصر به غیر وجدانیات نیست، نه این‌که منحصر به وجدانیات است. در بعث و انذار رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ، مردم از ما یَذَر اطلاع دارند و در آن واقعند، و عقاب و ثواب به آن متعلق می‌شود، نه این‌که رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با اوامر و نواهی از اموری که فی‌مابَعد واقع می‌شود، بعث و زجر می‌کند؛ لذا یکی از اساتید ما از اساتید خود نقل می‌فرمود که در هر مسئله پیش از رجوع به ادله، اول به وجدان خود رجوع کنید.»(در محضر بحث، ج۳، ص۲۱) برای مراجعه تفصیلی به موارد استناد به ارتکاز متشرعه به عنوان یکی از ادله، در کلام ایشان به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمایید.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 مه 2025 13:23:26 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مه 2025 13:27:57 توسط ... .